

مجله علمی پژوهشی «پژوهش‌های برنامه‌درسی»

انجمن مطالعات برنامه‌درسی ایران

دوره یازدهم، شماره دوم، پیاپی ۲۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

صفحه‌های ۱۷۲-۱۹۶

طراحی چارچوب برنامه درسی تربیت اقتصادی در رشته مطالعات اجتماعی دانشگاه فرهنگیان

سمانه مرادی^۱، داود طهماسب‌زاده شیخ‌لار^۲، یوسف ادیب^۳، حسین اصغرپور^۴

چکیده

پژوهش حاضر با هدف طراحی چارچوب برنامه درسی تربیت اقتصادی در رشته مطالعات اجتماعی بر اساس روش سنتزپژوهی ترکیبی انجام شد. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی مقالات علمی معتبر در زمینه تربیت اقتصادی بود. منابع گردآوری داده‌ها شامل پایگاه‌های اطلاعات علمی، جهاد دانشگاهی، اسکوپوس، پروکوئست، اشپرنگر، ساینس دایرکت، نشریات کشور بودند. برای گردآوری، گزارش و ثبت اطلاعات پژوهش‌های اولیه، از فرم کاربرگ طراحی شده توسط محقق استفاده شد. تحلیل یافته‌ها با استفاده از الگوی هفت مرحله‌ای سنتزپژوهی مارش (۱۹۹۱) انجام شد و ترکیبی بهینه از نتایج آن‌ها ارائه گردید. برای اطمینان از نحوه کدگذاری‌ها از دو نفر ارزشیاب جهت کدگذاری مجدد یافته‌ها استفاده شد که به منظور تأیید پایایی، از فرمول ضریب کاپای کوهن، استفاده شد که در این پژوهش میزان توافق نشان‌دهنده درصد بالایی از توافق بین ارزشیابان در کدگذاری‌ها بود. یافته‌های پژوهش نشان داد که چارچوب برنامه درسی تربیت اقتصادی در رشته مطالعات اجتماعی، با ده عنصر تحت عناوین، عنصرمنطق (تحقق اهداف مطالعات اجتماعی و رشد تفکر انتقادی)، هدف (رشد مهارت‌ها، نگرش و دانش اقتصادی)، محتوا (مفاهیم اساسی علم اقتصاد)، روش‌های یاددهی - یادگیری (روش‌های یادگیری فعال)، منابع و مواد آموزشی (استفاده از منابع آموزشی متنوع)، نقش معلم (راهنما و تسهیل‌گر بودن)، گروه‌بندی فراگیران (افزایش یادگیری از طریق گروه‌های کوچک)، زمان (انعطاف‌پذیری در زمان آموزش)، مکان (محیط‌های آموزشی اعم از درون و خارج از کلاس) و ارزشیابی (به‌کار بردن شیوه‌های ارزشیابی متنوع) طراحی گردید که برنامه‌ای فراگیر محور و جامعه محور است که در پی کمک به تحقق اهداف مطالعات اجتماعی، رشد تفکر انتقادی، تحلیل آگاهانه متون و کاربرد مفاهیم در زندگی واقعی توسط فراگیران، افزایش درک فراگیران از مفاهیم و موضوعات اقتصادی، صرفه‌جویی در وقت و منابع آموزشی می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: چارچوب برنامه درسی، عناصر برنامه درسی، تربیت اقتصادی، سنتزپژوهی.

۱. دانشجوی دوره دکتری برنامه‌ریزی درسی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

(samanemoradi69@yahoo.com)

۲. دانشیار، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (d.tahmaseb@tabrizu.ac.ir)

۳. استاد، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (yousef_adib@yahoo.com)

۴. استاد، گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (asgharpur@tabrizu.ac.ir)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۱۱/۹ تاریخ دریافت مقاله نهایی: ۱۴۰۰/۳/۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۳۰

مقدمه

در دنیای امروز و برحسب اقتضائات و الزامات فناورانه و اقتصادی حاکم بر زندگی بشر، مسئولیت نظام‌های تعلیم و تربیت رسمی و عمومی افزایش یافته و ملاحظات خاصی را در باب نهادها، محتوا، برنامه‌ها و روش‌های تعلیم و تربیت، پیش روی برنامه‌ریزان آموزشی قرار داده است. فراگیران در زندگی روزمره با مسائل و موضوعات اقتصادی زیادی مواجه می‌شوند. بنابراین، تربیت اقتصادی می‌تواند به رشد شیوه تفکر اقتصادی در آن‌ها کمک کند. نهادهای آموزشی و فرهنگی کشورها باید در کنار آموزش مهارت‌های اولیه و ضروری مانند خواندن و نوشتن، ریاضیات، ادبیات، تاریخ به برنامه‌های آموزش اقتصاد و تعلیم و تربیت اقتصادی نیز توجه کرده و این برنامه‌ها را به عنوان بخش اصلی برنامه‌هایی که عهده‌دار یاددهی عناصر شناختی، گرایش و مهارتی ناظر بر تدبیر زندگی و تحقق رفتارهای مطلوب در عرصه زندگی فردی و تعاملات اجتماعی هستند، وارد سیستم آموزشی خود نمایند. جیمز توبین (James Tobin) برنده جایزه نوبل اقتصاد درباره اهمیت توجه به تربیت اقتصادی معتقد است: دانش‌آموختگان نظام آموزشی کشور در سراسر زندگی خود به عنوان سرپرستان خانواده، مصرف‌کنندگان، شهروندان و رأی‌دهندگان انتخاب‌های اقتصادی فراوانی خواهند داشت و افراد زیادی آن‌ها را با اطلاعات اقتصادی درست و نادرست مواجه خواهند ساخت؛ بنابراین، توجه به تربیت اقتصادی بسیار مهم است (Walstad, 2007). بر این اساس، یکی از نیازهای ضروری که یک کشور بدان نیاز دارد و در تمامی سطوح تحصیلی باید بدان پرداخته شود، آموزش‌های اقتصادی است (Faulkner, 2018). بنابراین تربیت اقتصادی باید از همان ابتدا از نظام آموزشی شروع شود و از این طریق زمینه لازم برای درک مطلوب مفاهیم اقتصادی فراهم گردد. آموزش سواد اقتصادی و مالی، به فراگیران در درک و یادگیری اصول اساسی اقتصاد کمک می‌کند (Henning, 2017).

تعلیم و تربیت دارای حوزه‌های مختلفی است، حوزه‌هایی که در آن نیازهای مشترک انسان‌ها مورد توجه قرار گرفته است در مبانی نظری سند تحول بنیادین اصطلاح (ساحت‌های تربیتی) به کار گرفته می‌شود. ساحت‌های شش‌گانه در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش عبارت‌اند از:

- ۱- ساحت تربیتی اعتقادی، عبادی و اخلاقی ۲- ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای ۳- ساحت تربیت علمی و فناوری ۴- ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی ۵- ساحت تربیت زیستی و بدنی ۶- ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری.

اهمیت ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای

-تدبیر امر معاش و زندگی اقتصادی با درک موقعیت اقتصادی خود و جامعه و تلاش برای بهبود

پیوسته آن

-درک و فهم مسائل اقتصادی خود و جامعه (در زمینه تاریخی، فرهنگی و اجتماعی)

-تلاش فردی و جمعی برای تحقق غنا، کفاف، عمران، رشد و استقلال اقتصادی، حفظ و پیشرفت ثروت ملی، افزایش بهره‌وری، تأمین رفاه عمومی و بسط عدالت اقتصادی و شناسایی عوامل فقر، فساد و تبعیض و تلاش جهت مقابله با آن‌ها در سطح ملی و جهانی در جهت تشکیل جامعه صالح و پیشرفت مداوم آن، بر اساس نظام معیار اسلامی (شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۰).

انسان بدون تربیت نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد و به دلیل داشتن ابعاد چندگانه، نیازمند ساحت‌های تربیتی مختلفی است که در این میان می‌توان تربیت اقتصادی را یکی از مهم‌ترین آن‌ها دانست، زیرا نه تنها فرد بلکه همه کسانی که به نوعی با او در ارتباط هستند از این ساحت تربیتی متأثر می‌شوند. به گونه‌ای که حیات جامعه وابسته به تربیت اقتصادی است.

در کشور جمهوری اسلامی ایران نیز توجه نظام آموزش و پرورش به برنامه درسی تربیت اقتصادی با توجه به شرایط جامعه ضروری می‌باشد. شکل‌گیری عکس‌العمل متناسب با سیاست‌های اقتصادی از سوی مردم، مستلزم برخورداری عموم مردم جامعه از تربیت اقتصادی است و شاید بتوان تربیت اقتصادی را حلقه مفقوده بسیاری از ناهنجاری‌های رفتاری و به شکست کشاندن یا پیروزی و موفقیت سیاست‌های اقتصادی دانست؛ امری که علی‌رغم نقش و اهمیت گسترده آن، در "برنامه درسی" کشور ما مغفول مانده است. کاروناراتن، بریر و وود (Karunaratne, Breyer & Wood, 2016) در پژوهشی با عنوان «طراحی برنامه درسی اقتصاد در آموزش عالی بریتانیا» به این نتیجه رسیدند که ترم‌های پایانی مربوط به برنامه‌های درسی اقتصاد که جنبه‌های عملی بیشتری دارند، بیشتر موجب یادگیری دانشجویان می‌شوند پیامدهای اجتماعی این تحقیق نشان داد که برنامه درسی تربیت اقتصادی یک دوره سرمایه‌گذاری جذاب، تحول‌آمیز و یکپارچه در سطح دانشگاه را به وجود می‌آورد و موجب می‌شود که اکثر فارغ‌التحصیلان، به کسب‌وکار همراه با تفکر و عملکرد اقتصادی مناسب و موفق بپردازند.

امروزه اغلب متخصصان تعلیم و تربیت اقتصادی کارکردهای مورد انتظار از تعلیم و تربیت اقتصادی و قابلیت‌های مهم آن در تحقق مهارت‌های زندگی را فراتر از موضوعات و ابعاد صرفاً اقتصادی زندگی بشر می‌دانند و آن را به روش‌ها و رویکردهای حاصله از این دانش نیز تسری و بسط می‌دهند. نظام آموزش و پرورش اغلب کشورهای پیشرفته به منظور فرهنگ‌سازی در حوزه اقتصاد، برنامه‌ها و اقداماتی را تحت عنوان تربیت اقتصادی، مبتنی بر دیدگاه اقتصادی جامعه خود انجام می‌دهند (Akarowhe, 2018). آموزش اقتصاد و یا به بیان علمی تحقق اهداف شناختی، گرایشی و رفتاری در حوزه اقتصادی، که از آن به طور عام به عنوان تعلیم و تربیت اقتصادی (Education Economic) نام برده می‌شود، حوزه بسیار شناخته شده‌ای از لحاظ حجم ادبیات و تجارب حاصله در دنیای امروز، محسوب می‌گردد (Sochio & Lakatos, 2010). رسالت برنامه‌های تعلیم و تربیت اقتصادی، تربیت تصمیم‌گیرانی شایسته و عاقل در زندگی فردی و جمعی خود؛ شهروندانی

مسئولیت‌پذیر؛ افرادی مولد، کارآفرین و بهره‌ور به عنوان نیروی کار؛ مشارکت‌کنندگانی مؤثر در اقتصاد داخلی و بین‌المللی؛ مصرف‌کنندگانی مطلع، پس‌اندازکنندگان و سرمایه‌گذارانی آینده‌نگر و حسابگر، مشوقان و حامیانی برای ایدئولوژی و فرهنگ اقتصادی حاکم و مطلوب جامعه است (Mearman, Berger & Guizzo, 2016).

شورای ملی تربیت اقتصادی آمریکا (National Council Of Economic Education, 2007) تربیت اقتصادی را چنین تعریف می‌کند «کمک به دانش‌آموزان در کسب مهارت‌های واقعی زندگی و به منظور تفکر و انتخاب آگاهانه به عنوان افرادی در نقش مصرف‌کنندگان، پس‌اندازکنندگان، سرمایه‌گذاران، شهروندان، نیروی کار و مشارکت‌کنندگان فعال در اقتصاد جهانی». از دیدگاه آنتونی، اسمیت و میلر (Anthony, Smith And Miller, 2014) تربیت اقتصادی چیزی است که موجب ایجاد و شکل‌گیری سواد و مهارت اقتصادی (Economic literacy and skills) و دانش و مفاهیم اقتصادی (Economic knowledge and concepts) لازم جهت پاسخ‌گویی و مواجهه با مسائل و مشکلات اقتصادی در زندگی روزمره فراگیران می‌گردد.

تفکر اقتصادی، در واقع نوعی مهارت ادراکی است و انسان از سنین خردسالی شروع به تصمیم‌گیری‌هایی می‌کند که اگرچه نه در ظاهر، ولی طبق تعریف برنامه‌های درسی موجود در دنیا، اقتصادی هستند. قدرت تفکر و استدلال اقتصادی چارچوبی برای این تصمیم‌گیری‌هاست و تفکر انتقادی حاصل از آن فرد را به نحوی تربیت می‌کند که در فرایند تصمیم‌گیری غیر از توجه به اثرات کوتاه‌مدت تصمیم خود، اثرات بلندمدت و نتایج احتمالی غیرقابل پیش‌بینی و ناخواسته را نیز در نظر بگیرد (Amagir, Groot, 2018).

تربیت اقتصادی یکی از مهم‌ترین ابزار جامعه‌پذیری اقتصادی است. از دیدگاه پیازه دانش و اطلاعات تأثیر مهمی بر ساختار منطقی ذهن دارند. تفکر اقتصادی (درک جهان اقتصادی) نیازمند اطلاعات برای رشد است و با سازماندهی اطلاعات، دانش اقتصادی فراگیران افزایش می‌یابد؛ بنابراین تفکر اقتصادی مبنای دانش اقتصادی است (otto And Serido, 2018).

نظام آموزش و پرورش اغلب کشورهای پیشرفته، به منظور فرهنگ‌سازی در حوزه اقتصاد، برنامه‌ها و اقداماتی را تحت عنوان تربیت اقتصادی مبتنی بر دیدگاه اقتصادی جامعه خود انجام می‌دهند. جهان امروز دریافته است که توجه به تربیت اقتصادی نوعی سرمایه‌گذاری ملی است و هر اجتماعی که در این راه تلاش بیشتری نماید، بدون شک از ثمرات آن در آینده برخوردار خواهد شد. برای مثال کشور مالزی که برنامه‌های درسی تربیت معلم آنان شباهت بیشتری با ایران دارد شامل سه سرفصل اصلی: دروس تخصصی، دروس تربیتی، و آموزش‌های ارتقای فردی (عملی) است. در بخش آموزش‌های ارتقای فردی، دانشجویان دوره تربیت معلم ابتدایی و متوسطه باید واحدهایی در زمینه اقتصاد خانواده بگذرانند (Broadbridge & Raikes, 2014). در کشور ما که دهه

چهارم انقلاب، دهه عدالت و پیشرفت نامیده شده است، نباید نسبت به رفتارسازی و فرهنگ‌سازی اقتصادی مبتنی بر ابعاد اسلامی بی‌توجه بود و ضروری است تا به برنامه‌های درسی مغفولی چون تربیت اقتصادی به‌طور ویژه‌ای اهتمام ورزیده شود. اولین قدم در فرهنگ‌سازی تربیت اقتصادی در کشور، تربیت اقتصادی معلمان است که مسئولیت تربیت اقتصادی دانش‌آموزان و شهروندانی مسئولیت‌پذیر و آگاه به مسائل اقتصادی آینده جامعه را برعهده دارند (هدایان و دادخواه، ۱۳۹۶).

در واقع دانشجو-معلمان باید به عنوان شهروندان مسئول تربیت اقتصادی و مشارکت‌کنندگانی مؤثر در اقتصاد نسبت به مسائل تولید، مصرف و توزیع آگاهی داشته باشند. بدین‌گونه که آنان باید در زمینه نحوه جلوگیری از اتلاف منابع، جلوگیری از اسراف و مصرف بهینه منابع و نحوه توزیع عادلانه و جلوگیری از احتکار آگاهی داشته باشند (Smirnova, 2015). در جامعه ما معلمان فارغ‌التحصیل که وارد عرصه حرفه‌ای معلمی شده و عهده‌دار مسئولیت‌های مختلف می‌شوند، اطلاعاتی منظم در مورد مفاهیم و اصول اولیه اقتصادی ندارند؛ به‌طوری که نه در زندگی فردی، در مواجهه با موقعیت‌ها و شرایطی که صبغه اقتصادی دارند، آن‌گونه که باید و شاید حضور دارند و نه قادر به آموزش اقتصاد به دانش‌آموزان هستند (هدایان و دادخواه، ۱۳۹۶). در این مقام دانش‌آموزانی که تحت تعلیم و تربیت این معلمان قرار می‌گیرند، نه یک دانش‌سازمان‌یافته و نهادینه شده از مفاهیم، نه چارچوبی برای تحلیل اوضاع اطراف خود و نه یک فرهنگ حاکم اقتصادی مبتنی بر ارزش‌های جامعه و مصالح فردی اجتماعی، هیچکدام آن‌ها را همراهی نمی‌کنند و در نتیجه هم در زندگی فردی و هم در زندگی حرفه‌ای دچار مشکل می‌شوند. این فقدان درک صحیح مسائل اقتصادی، آنجا جلوه می‌کند که فرد به ناچار در زندگی اجتماعی در یک موقعیت با ویژگی‌های اقتصادی قرار می‌گیرد و نیاز به بروز رفتاری عقلایی و تصمیم‌گیری عقلانی مبتنی بر فرهنگ و ارزش‌های بومی و مقتضیات ملی خویش دارد (Otto And Serido, 2018).

تأثیر چنین ضعف و فقدان بر رشد اقتصادی و توسعه همه‌جانبه کشور پیشاپیش معلوم است. چرا که فرد تربیت شده، ناگزیر در مقام یک عضو خانواده، نیروی کار، شهروند مسئول در عرصه اجتماعی، مصرف‌کننده، تولیدکننده کالا و خدمات، پس‌اندازکننده و سرمایه‌گذار و در بستری از انواع شاکله‌های جمعی و فردی مانند فرهنگ کار، فرهنگ مصرف، فرهنگ اتخاذ تصمیم‌های بهینه، فرهنگ هزینه‌فایده، فرهنگ استفاده بهینه و کارا از منابع، فرهنگ بهره‌وری، فرهنگ تعامل با محیط انسانی و فیزیکی اطراف از جمله محیط زیست و ده‌ها بستر فرهنگی دیگر قرار می‌گیرد و برآیند رفتارهای جمعی در چنین فضایی است که موجبات رشد یا انحطاط ملتی را فراهم می‌آورد. در کشورهای پیشرفته، برنامه‌های جامع و گسترده‌ای را جهت آموزش مفاهیم و اصول اساسی مربوط به زندگی اقتصادی و رفتارسازی در این زمینه از سطح کودکان تا دانشگاه و از طریق برنامه‌های رسمی (آشکار) و غیررسمی (پنهان) تدارک می‌بینند و همه ساله دوره‌های آموزشی متعددی برای معلمان

و برنامه‌ریزان این کشورها از سوی شورای ملی تعلیم و تربیت اقتصادی آمریکا برگزار می‌شود (اسمیرنوا، ۲۰۱۵). نظام‌های آموزشی کشورهای پیشرفته به برنامه‌های تربیت اقتصادی نیز توجه کرده و این برنامه‌ها را به عنوان بخش اصلی برنامه‌هایی که عهده‌دار یاددهی عناصر شناختی، گرایشی و مهارتی ناظر بر تغییر زندگی و تحقق رفتارهای مطلوب در عرصه زندگی فردی و تعاملات اجتماعی هستند، وارد سیستم آموزشی خود کرده‌اند در نتیجه، توجه به برنامه درسی تربیت اقتصادی به منظور رشد تفکر انتقادی، مهارت تجزیه و تحلیل اطلاعات، کاربرد برنامه در دنیای واقعی اهمیت ویژه‌ای دارد. اما پیغامی و تورانی (۱۳۹۰)، در پژوهشی با عنوان «نقش برنامه درسی اقتصاد در برنامه تعلیم و تربیت رسمی و عمومی دنیا، ارائه یک برنامه عمل برای یک برنامه درسی مغفول را بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که اسناد بالادستی متعددی از جمله سند تحول آموزش و پرورش، سند برنامه درسی ملی، و اسناد توسعه‌ای چون سند چشم‌انداز به تربیت اقتصادی فراگیران توجه چندانی نکرده است و برنامه درسی اقتصاد در «برنامه درسی ملی» مغفول مانده است. یزدانی، کشتی آرای و عمادزاده (۱۳۹۷)، پژوهشی با عنوان طراحی برنامه درسی مبتنی بر اقتصاد مقاومتی انجام دادند. یافته‌های پژوهش نشان داد که دو مؤلفه اصلاح الگوی مصرف و تکیه بر ظرفیت‌های درونی به عنوان مؤلفه‌هایی قابلیت بسترسازی در آموزش و پرورش را دارند که در نهایت با استفاده از طرح‌واره سه عنصری برنامه درسی گودلد (عنصر محتوایی - عنصر سیاسی، اجتماعی - و عنصر فنی، حرفه‌ای) الگوی برنامه درسی مبتنی بر مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی برای آموزش و پرورش ارائه گردید.

قندهاری و همکاران (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان تبیین اهداف تربیت اقتصادی دوره ابتدایی در ایران مبتنی بر سنتز پژوهی انجام داده‌اند. آن‌ها پس از بررسی منابع پایه و اصلی در حوزه اقتصاد اسلامی مانند کتاب دو جلدی اقتصاد تألیف شهید صدر و کتاب شهید مطهری با نام «نظری به نظام اقتصادی اسلام» و همچنین ادبیات ایران در دو بخش اشعار و ضرب‌المثل‌ها، اهداف تربیت اقتصادی را در چهار خوشه ویژگی‌های فردی، ویژگی‌های اجتماعی، مفاهیم اقتصادی و اخلاق اقتصادی بیان کرده‌اند.

آماجیر و همکاران (Amagir, 2018)، پژوهشی با عنوان برنامه‌های تربیت مالی برای کودکان و نوجوانان انجام داده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان داد برنامه‌های درسی مدرسه محور می‌تواند سواد مالی و اقتصادی کودکان و نوجوانان را بهبود بخشد، استفاده از روش‌های تدریس فعال، تأثیرات مثبتی بر رفتار اقتصادی و مالی کودکان و نوجوانان دارد و توجه به یادگیری تجربی و درگیر ساختن کودکان و نوجوانان در فعالیت‌های مربوط به زندگی واقعی، اهمیت زیادی در تغییر نگرش آن‌ها نسبت به مسائل اقتصادی دارد. از این رو در جهت تربیت دانش‌آموزان واجد صلاحیت و دانش اقتصادی و جلوگیری از انحطاط اقتصادی کشور، تربیت اقتصادی دانشجویانی که به عنوان معلمان آینده کشور، خدمت خواهند کرد، ضروری است. هر چقدر معلم و مربی نسبت به آنچه که تدریس می‌نماید

علاقه، ادراک و نگرش مثبت و شایستگی داشته باشد، طبیعتاً بر تدریس بهینه و اثربخش آن موضوع کمک می‌کند (Broadbridge & Raikes, 2014).

آسارتا، جنینگر و گریمز (Asarta, Jennings & Grimes, 2016)، پژوهشی با عنوان «بازنگری تربیت اقتصادی: سهم ۲۵ ساله مجله اقتصاددان آمریکایی» انجام داده‌اند. پس از مرور و ترکیب نتایج ۷۰ مقاله چاپ شده در فاصله سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۵ در رابطه با تربیت اقتصادی، یافته‌ها نشان داد که مقالات موضوعاتی مانند طراحی برنامه درسی، به‌کارگیری شیوه‌های فعال آموزش، ارزشیابی کیفی و محتوای برنامه درسی را مورد بررسی قرار داده و از توجه به سایر عناصر غافل مانده‌اند. واتز (Watts, 2005)، پژوهشی با عنوان «بررسی دستاوردها و برنامه‌های اثربخش تربیت اقتصادی قبل از آموزش عالی» انجام داد. ایشان با بررسی یافته‌های پژوهش‌ها و مقالات در فاصله سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۵، نشان داد که توجه به مهارت‌های شناختی و غیرشناختی دانش‌آموزان در تدوین محتوا، تربیت معلمان شایسته و راهنما، استفاده از ویدئوهای آموزشی و کامپیوتر به عنوان ابزار کمک آموزشی و سازماندهی تلفیقی محتوا از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر یادگیری اقتصاد هستند.

تربیت اقتصادی معلمان در جهت نیل به اهداف اقتصادی نظام آموزشی کشور و اثربخش بودن آن اهمیت زیادی دارد (Smirnova, 2015). اما به‌رغم اهمیت موضوع، پژوهشگران ادعان دارند که متأسفانه در برنامه‌های درسی اجرا شده آموزش و پرورش به‌طور شایسته مورد توجه نبوده است (طغیانی، ۱۳۹۱؛ پیغامی و تورانی، ۱۳۹۰؛ انصاری، ۱۳۹۳؛ رحمان پور، نصر اصفهانی، سیادت، ۱۳۹۴؛ هاپ، ترویتچانسکایا و فورستر، ۲۰۱۸ و اسمیرنوا، ۲۰۱۵).

به نظر می‌رسد تحول و نوآوری آموزشی، تحقق اهداف و آرمان‌های ساحت اقتصادی حرفه‌ای مطرح شده در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جز در پرتو توجه جدی به بستر آموزش اقتصاد و طراحی چارچوب برنامه درسی تربیت اقتصادی در رشته مطالعات اجتماعی، متناسب با مقتضیات اقتصاد ایران، عملی و ممکن نیست. به منظور راهنمایی دست‌اندرکاران نظام آموزش و پرورش در توجه شایسته به برنامه درسی تربیت اقتصادی، در طراحی چارچوب برنامه درسی، منطبق با چرایی برنامه درسی نقش اصل کلی یا مأموریت اصلی برنامه درسی را ایفا می‌کند و به این می‌پردازد که چرا فراگیران باید این موضوع را یاد بگیرند و در حکم مؤلفه‌ای جهت‌دهنده در فرایند تصمیم‌سازی برنامه درسی عمل می‌کند و همه عناصر برنامه درسی، حول محور منطبق با چرایی برنامه درسی چینش می‌شوند (فتحی و اجارگاه، ۱۳۹۳). منظور از عناصر برنامه درسی، ده عنصری است که توسط اکر مطرح شده‌اند. این عناصر شامل ۱- منطبق یا پنداره (چرایی) ۲- آرمان‌ها و اهداف عینی ۳- محتوا ۴- فعالیت‌های یادگیری ۵- نقش معلم ۶- مواد و منابع ۷- گروه‌بندی فراگیران ۸- مکان ۹- زمان ۱۰- ارزشیابی می‌باشد (مهرمحمدی، ۱۳۹۳). از آنجا که عناصر برنامه درسی بیشتر در کتاب‌های درسی گنجانده شده‌اند، لذا توجه کتاب‌های درسی رشته مطالعات اجتماعی دانشگاه

فرهنگیان به موضوع تربیت اقتصادی جهت آموزش آن بر دانشجو-معلمان از اهمیت زیادی برخوردار است و موجب روشن شدن ابعاد مختلف برنامه درسی اقتصادی و نیز عناصر ده‌گانه آن شده و برنامه درسی تربیت اقتصادی را به عرصه عمل نزدیک‌تر می‌کند. همچنین به افزایش سواد معلمان در زمینه تربیت اقتصادی کمک کرده و این امر باعث افزایش صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان در حوزه اقتصاد می‌شود. برنامه‌های درسی تربیت معلم باید به‌گونه‌ای طراحی شود که تربیت اقتصادی را در ابعاد مختلف و با توجه به عناصر برنامه درسی مورد توجه قرار دهد تا بتواند با ایجاد دانش اقتصادی و تفکر اقتصادی در معلمان، هم آنان را برای جامعه آینده آماده کند و هم مهارت‌های لازم در معلمان را برای تربیت اقتصادی دانش‌آموزان ایجاد کند. لذا پژوهش حاضر به دنبال طراحی چارچوب برنامه درسی تربیت اقتصادی در رشته مطالعات اجتماعی دانشجو-معلمان می‌باشد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر در دسته مطالعات توصیفی، از نوع کاربردی، در زمره پژوهش‌های کیفی با استفاده از روش سنتزپژوهی (The research synthesis) از نوع ترکیبی است که شامل ترکیب ویژگی‌ها و عوامل خاص ادبیات تحقیق است. سعی دارد تحقیقاتی را که پوشش می‌دهد، تحلیل کرده و تناقضات موجود در ادبیات آن را حل کرده و ضمن یکپارچه کردن نتایج، موضوعات اصلی را نیز برای تحقیقات آینده مشخص نماید (Cooper & Hedges, 2009). این روش در حقیقت همان کاربرد دانش برای تصمیم‌گیری‌های فکورانه درباره برنامه درسی است. در اینجا دانشی پدید آمد که خود حاصل تلفیق دانش به‌دست آمده از مطالعات دیگر است و برای کاربرد در صحنه عمل تناسب بیشتری دارد (مارش، ۱۹۹۱). جهت پاسخ به سؤال حاضر، مراحل هفتگانه زیر طی شد:

- شناسایی منابع دست اول با توجه به کلیدواژه‌های مرتبط با موضوع
- ابتدا، برای شناسایی منابع دست اول، مقالات، کتب و اسناد مرتبط با موضوع، با بهره‌گیری از پایگاه‌های اطلاعاتی و مراکز نگهداری منابع مکتوب گردآوری شد. منابع گردآوری داده‌ها شامل پایگاه‌های اطلاعات علمی، جهاددانشگاهی، اسکوپوس، پروکوئست، اشپرینگر، ساین دایرکت، نشریات کشور بودند. پژوهش‌های نظری و تجربی موجود برنامه درسی تربیت اقتصادی از سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۱ و در مورد مطالعات داخلی از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ که عناصر برنامه درسی تربیت اقتصادی را مطالعه کرده باشند شناسایی شدند و منابع مربوط به تربیت اقتصادی با توجه به کلیدواژه‌های انتخاب شده، شناسایی شدند.

- شناسایی و دسته‌بندی مفاهیم، بازنگری و تحلیل مفهومی عناصر اصلی
- در این مرحله موارد مرتبط با موضوع تحقیق انتخاب شدند و تا رسیدن به اشباع نظری در پاسخ به سؤال‌های تحقیق این کار ادامه یافت و عناصر مهم بازنگری و تحلیل مفهومی شدند.

مطالعات شناسایی شده تحلیل و بررسی و عناصر مهم موجود در آن‌ها به لحاظ مفهومی به دقت تعریف شدند تا از بروز و ظهور مشکلات مربوط به مفهوم‌پردازی و برداشت‌های مختلف از یک مفهوم جلوگیری به عمل آید. با توجه به عناصر ده‌گانه برنامه درسی اگر، مفاهیم مرتبط شناسایی و تحلیل مفهومی شدند.

- شناسایی خوشه‌های اطلاعات برای الگوی مطلوب بر اساس الگوهای تحلیل مفهومی
- سپس، با مطالعه مبانی نظری، ماهیت فناوری و تجارب کشورها منطق و ساختار چارچوب مورد نظر کشف و شناسایی شد. اطلاعات یا دست‌های مفهومی بر اساس الگوهای حاصل از تحلیل‌های قبلی برای بررسی دقیق‌تر اطلاعات شناسایی شدند. مفاهیم انتخاب شده بر اساس عناصر برنامه درسی، در خوشه‌های اطلاعاتی مورد تحلیل قرار گرفتند.

- در کنار هم قرار دادن اطلاعات در درون هر دسته
- در مرحله بعد اطلاعات در درون هر دسته برای تفسیر کار در کنار هم گذاشته شدند. نسبت به تعیین ویژگی‌های عناصر اقدام و چارچوب پیشنهادی در یک فرایند تحلیل و ترکیب در قالب جداولی از اطلاعات و ویژگی‌های موضوع پژوهش خلاصه و ارائه شد خوشه‌های اطلاعاتی تحلیل شده، بر اساس ارتباط با عناصر و ارتباط با مفاهیم، در کنار هم قرار گرفتند.
- چرخه‌ای مکرر از تحلیل/ترکیب تا دسته‌ها به اعتبار لازم برسند و بیانیه نهایی به دست آید.
- فرایند تحلیل و ترکیب در این مرحله با دقت تکرار و بازبینی می‌شود تا اطلاعات یا دسته‌های مفاهیم به اعتبار لازم دست یابند.

- مرتب کردن دسته‌ها برای کاربست مورد نظر
- در مرحله بعد، سپس برای تعیین میزان به‌کارگیری مفاهیم ارزیابی شده و مضامین پرکاربرد در برنامه درسی تربیت اقتصادی مضامین اصلی استخراج گردید تا از هر یک از مفاهیم برای کاربست مورد نظر استفاده گردد.

- تفسیر مطالب ترکیبی: با توجه به اطلاعات حاصل از مراحل قبل، موارد بهینه در تمام عناصر مربوط به برنامه درسی تربیت اقتصادی مشخص شد. مطالب ترکیبی که مبتنی بر ویژگی‌های هر عنصر برنامه درسی می‌باشد مورد تفسیر قرار گرفته و در قالب چارچوب برنامه درسی ارائه شدند.

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل تمامی مقالات علمی معتبر در زمینه تربیت اقتصادی بود که با توجه به جست‌وجوی منظم در پایگاه‌های اطلاعاتی، بر اساس معیارهای ورود تعداد ۱۵۰ مقاله علمی شناسایی و در نهایت بر اساس معیارهای خروج تعداد ۵۲ مقاله پژوهشی برای تحلیل نهایی انتخاب شدند.

با توجه به اینکه هدف اصلی پژوهش طراحی چارچوب برنامه درسی تربیت اقتصادی در رشته مطالعات اجتماعی بود با استفاده از کلیدواژه‌های تربیت اقتصادی (Economic education)، مطالعات اجتماعی (Social studies)، تربیت اقتصادی دانشجو-معلم (Student-teacher economic education)، برنامه درسی تربیت اقتصادی (Economic Education Curriculum)، آموزش تربیت اقتصادی (Economic education training)، اطلاعات نشریات داخلی و خارجی شامل: نمایه استنادی علوم ایران (sci.isc)، ایران مدکس (iranmedex)، پایگاه مجلات تخصصی نور (Noormags)، پایگاه علمی جهاد دانشگاهی (SID) بانک اطلاعات نشریات ایران (Magiran)، پایگاه جامع علوم انسانی و پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (irandoc)، بانک اطلاعاتی پایان‌نامه‌های علوم پزشکی کشور، و پایگاه‌های خارجی PubMed، EBSCO، worldcat، Springer، ProQuest، sciencedirect و موتور جست‌وجوگر google scholar تمام مقاله‌ها، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دکتری که به نحوی به بررسی برنامه درسی تربیت اقتصادی پرداخته بودند، گردآوری شد.

معیارهای ورود و خروج پژوهش شامل موارد زیر بود: ۱- پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد، رساله‌های دکتری و مقاله‌های مروری و علمی-پژوهشی که با محوریت تربیت اقتصادی در طول سال‌های ۱۳۹۹-۱۳۹۰ در پایگاه‌های داخلی و در طول سال‌های ۲۰۱۸-۲۰۲۱ در پایگاه‌های خارجی انتشار یافته بودند؛ ۲- موضوع پژوهش برنامه درسی مبتنی بر تربیت اقتصادی یا آموزش و یادگیری مبتنی بر تربیت اقتصادی و یا مقایسه آموزشی مبتنی بر تربیت اقتصادی با رویکردهای رایج آموزشی بود. ۳- از انواع روش‌های تحقیق استفاده کرده بودند؛ ۴- حداقل یکی از عناصر برنامه درسی در آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته بود؛ ۵- تربیت اقتصادی در حوزه آموزش و یادگیری به کار گرفته شده بود؛ قبل از انجام هر نوع تحلیل، هر یک از نویسندگان به طور جداگانه و مستقل از هم، مقالات، پایان‌نامه و رساله‌های جست‌جو شده را بر اساس معیارهای بالا بررسی نموده کردند. در پژوهش حاضر کدهای محوری بر اساس عناصر برنامه درسی اگر بودند که با مطالعه کامل محتوای مقاله با توجه به عناصر، با روش کدگذاری باز، مفاهیم مورد نظر استخراج شد. در برخی مقالات به چند عنصر و در برخی از مقالات به یک عنصر پرداخته شده بود. برای اطمینان از نحوه کدگذاری‌ها از دو نفر ارزشیاب جهت کدگذاری مجدد یافته‌ها استفاده شد که به منظور تأیید پایایی، از فرمول ضریب کاپای کوهن، استفاده شد که در این پژوهش میزان توافق بین ارزشیابان عدد ۰/۷۵ به دست آمد که نشان‌دهنده ۷۵ درصد توافق بین ارزشیابان در کدگذاری‌ها بود. ضریب کاپای کوهن $Kappa = \frac{(po-pe)}{1-po}$ (کوهن، ۱۹۶۰).

یافته‌ها

برای تحلیل نهایی در این پژوهش از یافته‌های ۵۲ تحقیق علمی استفاده شده است که در جدول پیوست مقاله ویژگی‌های این تحقیقات بر اساس کد مقاله، نام محققان، سال انتشار و نتیجه هر پژوهش از اجرای الگوی برنامه‌درسی مبتنی بر تربیت اقتصادی قابل ملاحظه است. با توجه به یافته‌های حاصل از تحقیقات مرتبط با هدف پژوهش در جدول پیوست مقاله، ابتدا کلیه مؤلفه‌ها از طریق فرایند کدگذاری باز استخراج و سپس کلیه مؤلفه‌ها بر اساس مفاهیم مشترک دسته‌بندی شدند؛ از این رو با توجه به فرایند کدگذاری حاصل از مرحله اول، در این بخش ابتدا در جدول ۱، به ویژگی‌های برنامه‌درسی مبتنی بر تربیت اقتصادی بر اساس عناصر برنامه‌درسی اکر، با توجه به کد هر مقاله پرداخته و سپس یافته‌های به‌دست آمده، در قالب یک الگوی کلی و جامع ترسیم شده است.

جدول ۱- عناصر و مضامین برنامه‌درسی تربیت اقتصادی در رشته مطالعات اجتماعی

ردیف	عناصر برنامه‌درسی	مضامین	منابع
۱	منطق	<ul style="list-style-type: none"> - کمک به تحقق اهداف مطالعات اجتماعی - شکل‌گیری یادگیری واقعی در فراگیران - رشد تفکر انتقادی، تحلیل آگاهانه متون و کاربرد مفاهیم در زندگی واقعی توسط فراگیران - استفاده مؤثر از زمان آموزش و تحقق یادگیری معنی‌دار در فراگیران - سواد اقتصادی مهم‌ترین عامل رشد و پیشرفت - بهبود درک فراگیران از مفاهیم و موضوعات اقتصادی - صرفه‌جویی در وقت و منابع آموزشی - یادگیری عمیق‌تر و ماندگارتر مفاهیم در جهت انتقال به محیط‌های واقعی زندگی 	<ul style="list-style-type: none"> ابتونده، بندیکت و آدو (۲۰۱۷)، آلتومر و هارت (۲۰۱۶)، اسمیرنوا، (۲۰۱۶)، کرونین، (۲۰۱۵)، نیدرجان و شاگ، (۲۰۰۸)، جاپلی، (۲۰۱۰)، سیرا (۲۰۱۹).
۲	هدف	<ul style="list-style-type: none"> - کسب و رشد ویژگی‌های فردی، ویژگی‌های اجتماعی، اخلاق اقتصادی - کسب مفاهیم اقتصادی در ابعاد دانشی و مهارت - اهداف حیطه‌شناختی، نگرشی و مهارتی - رشد مهارت‌ها و دانش اقتصادی - آماده‌سازی فراگیران برای انجام مسئولیت‌های شهروندی - تصمیم‌گیری اقتصادی درست برای آینده زندگی 	<ul style="list-style-type: none"> آلتومر و هارت (۲۰۱۶)، ولانداری و نارمادینیا (۲۰۱۷)، ساجدوا (۲۰۱۷)، لای، لین و یونه (۲۰۱۸)، شنل و لوتروالد (۲۰۱۹).

۳	محتوا	<p>- در عرصه اخلاق اقتصادی، مواردی نظیر سبک زندگی، رفتارها، انصاف، انفاق، گذشت، ایثار و ...</p> <p>- احکام خمس و زکات و معاملات</p> <p>- عقاید اقتصادی، سواد اقتصادی، اخلاق اقتصادی و احکام اقتصادی با زیرمقوله‌های (احکام مالکیت، احکام تجارت، احکام دولت و احکام مصرف)</p> <p>- دانش مربوط به مقوله‌های هفت‌گانه (اختیار و انتخاب، تخصص و تقسیم کار، روابط و تعاملات، قواعد تعامل، انگیزه‌ها، کار و آفرینش و تخصیص)</p> <p>- مفاهیم پایه: کالا و خدمات، تولیدکننده، مصرف‌کننده، کمیابی، انتخاب، هزینه فرصت، تخصص، پول، پس‌انداز و منابع (انسانی، طبیعی و سرمایه‌ای)</p>	<p>پاک مهر و تیموری (۱۳۹۵). علی پور، ناطقی و فقیهی (۱۳۹۵)، طغیانی (۱۳۹۱).</p>
۴	روش‌های یاددهی-یادگیری	<p>- روش‌های یادگیری شامل بحث گروهی، حل مسئله، دریافت مفهوم، کاوش‌گری به شیوه محاکم قضایی، ایفای نقش و بارش مغزی</p> <p>- رویکرد یادگیری معکوس گروهی</p> <p>- توجه به نظریه هوش‌های چندگانه برای تلفیق</p> <p>- توجه به سبک‌های مختلف یادگیری</p> <p>- توجه به فرایند یاددهی-یادگیری هدایت شده</p> <p>- روش یادگیری مشارکتی</p> <p>- استفاده از راهبرد یادگیری الکترونیکی</p> <p>- استفاده از رویکرد ساختن‌گرایی</p> <p>- یادگیری خودراهبری</p> <p>- روش‌های تدریس فعال</p>	<p>سیرا، (۲۰۱۹)، یادنا (۲۰۱۸)، روسار، (۲۰۱۵)، باسیا، لای، لین و یونه، (۲۰۱۸)، مسلم و عثمان، (۲۰۱۸)، ماسیمانگا، (۲۰۱۷).</p>
۵	نقش مربی	<p>- مرتبط ساختن موضوعات و محتوای کتاب‌های درسی به علائق قبلی و تجارب زندگی روزمره فراگیران</p> <p>- استفاده از منابع آموزشی بر اثربخشی تدریس مفاهیم و موضوعات اقتصادی</p> <p>- نقش راهنما و تسهیل‌گر</p> <p>- استفاده از کارتون‌ها و بازی‌های گروهی</p> <p>- استفاده از مثال‌های مرتبط با زندگی</p> <p>- شایستگی‌های علمی و حرفه‌ای</p>	<p>فلانگان، (۲۰۱۴)، سکونا (۲۰۱۴)، حبیبو، (۲۰۱۶)، بادموس، و اومه ترزا، (۲۰۱۶) سن تومبه (۲۰۱۸)، شنل و لوتروالد، (۲۰۱۹). پرتی وی (۲۰۱۹).</p>
۶	مواد و منابع	<p>- کتاب‌های درسی</p> <p>- استفاده از منابع فناوری و تکنولوژیکی مختلف</p> <p>- تکنولوژی‌های آموزشی جدید مانند استفاده از</p>	<p>بادموس، آگبیتو اولوی می سی و اومه ترزا (۲۰۱۶)، رایان بروان، (۲۰۱۱).</p>

		آثار نویسندگان معاصر همچون طنز، داستان‌های کوتاه، مقالات	اوکو، (۲۰۱۱)، بوشاتی (۲۰۱۰).
۷	گروه‌بندی فراگیران	- استفاده خلاقانه از گروه‌های کوچک - گروه‌بندی و کار در گروه‌های کوچک - لذت بردن فراگیران از کار در گروه‌های کوچک - علاقه‌مندی به کار گروهی	مالدیو (۲۰۰۶)، فلانگان، (۲۰۱۴)، سن تومبه (۲۰۱۸)، سکونا (۲۰۱۴).
۸	زمان	- صرف زمان کافی برای آموزش - انعطاف‌پذیری زمان	ماسیمانگا (۲۰۱۷)، کرونین (۲۰۱۵)، شنل و لوتروالد (۲۰۱۹).
۹	مکان	- مستلزم تغییر فضای معمولی در کلاس درس - بردن آموزش به محیط‌های خارج از کلاس - تکالیف و فعالیت‌های میدانی خارج از کلاس	سکونا (۲۰۱۴)، کاس (۲۰۱۴).
۱۰	ارزشیابی	- مشاهده عملکرد به صورت محسوس و غیرمحسوس - ارزشیابی تکالیف، مقاله نویسی، مصاحبه یا گزارش به منظور خودانعکاسی فراگیران - سنجش عملکرد مشارکت در بحث‌های گروهی - ارزشیابی از طریق کارپوشه، سنجش عملکردی - سنجش مستقیم رفتار توسط والدین، بندنویسی، ریاضی و داستان - ارزشیابی تشخیصی، تکوینی و تراکمی است - ارزشیابی مشارکتی، کتبی و عملی	سیمینیکا و آریلیا (۲۰۱۳)، رایان برون، (۲۰۱۱)، ماسیمانگا (۲۰۱۷)، قندهاری (۱۳۹۷)، ابراهیمی هرستانی (۱۳۹۷).

براساس جدول شماره (۱) با توجه به کدهای باز (مفاهیم) استخراج شده از نتایج پژوهش‌های انجام شده، ده کد محوری (مقوله) (منطق و چرایی، اهداف، محتوا، فعالیت‌های یادگیری، نقش مربی، مواد و منابع آموزشی، گروه‌بندی فراگیران، مکان، زمان و سنجش) در قالب یک مقوله هسته‌ای (عناصر برنامه‌دستی) می‌توان الگویی را به شرح زیر تنظیم کرد:

شکل ۲- طراحی چارچوب پیشنهادی عناصر برنامه درسی تربیت اقتصادی مطالعات اجتماعی دانشگاه فرهنگیان
(برگرفته از الگوی تار عنکبوتی اکر)



بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف "طراحی" چارچوب برنامه درسی تربیت اقتصادی در رشته مطالعات اجتماعی دانشگاه فرهنگیان انجام شد و ویژگی‌ها و مشخصات عناصر برنامه درسی مبتنی بر تربیت اقتصادی شناسایی شد. همان‌گونه که اشاره گردید چارچوب برنامه درسی تربیت اقتصادی با تعداد ۱۰ عنصر شامل عناصر منطق و چرایی، اهداف، محتوا، مواد و منابع یادگیری، روش تدریس و فعالیت‌های یادگیری، نقش معلم، گروه‌بندی فراگیران، زمان، مکان و ارزشیابی طراحی گردید. تمام عناصر ده‌گانه اگر در طراحی چارچوب برنامه درسی نیز شناسایی گردیده‌اند که این امر می‌تواند نشان از جامعیت برنامه درسی مذکور داشته باشد. از دیدگاه سیاست‌گذاران تعلیم و تربیت، برنامه درسی و رویکردهای آن نسبت به آموزش اقتصاد در دوره‌های آموزشی مهم می‌باشند. زیرا با تدارک فرصت‌های مناسب، فراگیران را در معرض تجاربی قرار می‌دهند که بتوانند مهارت‌ها، گرایش‌ها و رفتارهای اقتصادی خود را شکل بدهند. از میان رشته‌های تربیت معلم، رشته «مطالعات اجتماعی» فرصت‌های غنی و فراوانی برای رشد تربیت اقتصادی فراهم می‌کنند. بنابراین توجه به تربیت اقتصادی در برنامه‌های درسی رشته مطالعات اجتماعی دانشجو-معلمان اهمیت فراوانی دارد. بنابراین، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان آموزشی و برنامه‌ریزان درسی باید توجه بیشتری به این مقوله‌ها در هدف‌گذاری، سازماندهی، طراحی محتوای کتاب‌های درسی و تهیه راهنما جهت اجرای مؤثر داشته باشند. یکی از مهم‌ترین فرصت‌ها برای تربیت اقتصادی مربوط به محتوای کتاب‌های درسی است. در دنیای امروز داشتن سواد اقتصادی برای فراگیران حیاتی است. زیرا بحران‌های اقتصادی در دوره‌های زمانی مختلف ایجاد می‌شوند و نسل‌های مختلف نیاز به یادگیری نحوه مواجهه با این بحران‌ها را دارند. بر این اساس یکی از نیازهای اجتناب‌ناپذیر که در برنامه‌ریزی آموزشی وجود دارد و با زندگی روزمره شهروندان یک کشور درهم آمیخته است و باید به طور جدی به آن پرداخته شود آموزش‌های مربوط به تربیت اقتصادی در برنامه‌های درسی است.

عنصر منطق در برنامه درسی به این نکته می‌پردازد که چرا یادگیرندگان باید یاد بگیرند؟ این عنصر مورد توجه صاحب‌نظرانی از قبیل اکر (۲۰۰۳) می‌باشد. بر این اساس، از جمله مواردی که در انتخاب منطق و یا همان چرایی طراحی چارچوب برنامه درسی تربیت اقتصادی در رشته مطالعات اجتماعی دانشگاه فرهنگیان باید در نظر داشت: تحقق اهداف مطالعات اجتماعی، شکل‌گیری یادگیری واقعی در فراگیران، رشد تفکر انتقادی، تحلیل آگاهانه متون و کاربرد مفاهیم در زندگی واقعی توسط فراگیران، ایجاد تجربه‌ای مثبت برای استفاده مؤثر از زمان آموزش و تحقق یادگیری معنی‌دار در فراگیران، افزایش سواد اقتصادی شهروندان، افزایش درک فراگیران از مفاهیم و موضوعات اقتصادی، صرفه‌جویی در وقت و منابع آموزشی و یادگیری عمیق‌تر و ماندگارتر مفاهیم در جهت انتقال به محیط‌های واقعی زندگی می‌باشد. این یافته‌های پژوهش یعنی موارد ذکر شده در بالا از لحاظ تأکید بر تحقق اهداف اجتماعی، رشد

تفکر انتقادی و افزایش درک و فهم فراگیران از مفاهیم اقتصادی با نتایج تحقیق قندهاری (۱۳۹۷)، جاپلی (Jappelli, 2010)، هاسکل و جنکینز (Haskell, H. S. Jenkins, 2003) که نشان دادند منطق برنامه درسی تربیت اقتصادی کمک به تحقق اهداف مطالعات اجتماعی، رشد تفکر انتقادی و کاربرد مفاهیم اقتصادی در زندگی واقعی است همسو می‌باشد. آشنایی با مفاهیم پایه و عمومی اقتصاد و ایجاد نگرش مثبت به برخی از ارزش‌های اخلاقی از مهم‌ترین اهداف برنامه درسی تربیت اقتصادی است (Smirnova, 2016).

دومین عنصر در چارچوب برنامه درسی تدوین شده عنصر هدف است. همه فعالیت‌ها و طراحی‌های فرایند برنامه‌ریزی درسی در پرتو هدف‌ها انجام می‌گیرند. در واقع، هدف‌ها، نیازها، کاستی‌ها و خلاءها را نشان می‌دهند و به قصد پاسخ‌گویی به آن‌ها تعیین می‌شوند. می‌توان گفت اگر در انتخاب هدف‌ها دقت لازم انجام نگیرد، نیازهای آموزشی تأمین نمی‌شوند.

کسب و رشد ویژگی‌های فردی، ویژگی‌های اجتماعی، اخلاق اقتصادی و مفاهیم اقتصادی در ایجاد دانشی و مهارت، رشد شناختی، نگرشی و مهارتی، رشد مهارت‌ها و دانش اقتصادی، آماده‌سازی فراگیران برای انجام مسئولیت‌های شهروندی، تصمیم‌گیری اقتصادی درست برای آینده زندگی از اهداف اصلی چارچوب برنامه درسی پیشنهادی برای تربیت اقتصادی می‌باشد. که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بدان‌ها اشاره گردیده است که این همسویی می‌تواند پشتوانه‌ای قوی در جهت تأیید اهداف تدوین شده برای این برنامه درسی باشد. همچنین این یافته‌های پژوهش با نتایج تحقیق طغیانی و پیغامی (۱۳۹۵)، قندهاری (۱۳۹۷) که اهداف تربیت اقتصادی را در چهار خوشه ویژگی‌های فردی، ویژگی‌های اجتماعی، مفاهیم اقتصادی و اخلاق اقتصادی بیان کرده‌اند همسو می‌باشد.

فقدان و نارسایی مهارت، دانش و نگرش‌های اقتصادی دانش‌آموختگان نظام آموزشی کشور با ورود به زندگی خانوادگی و عهده‌دار شدن مسئولیت‌های اجتماعی مختلف آشکار می‌شود. به گونه‌ای که آن‌ها در زندگی فردی و در مواجهه با موقعیت‌ها و شرایطی که صبغه اقتصادی دارند به نحو شایسته حضور نمی‌یابند و همچنین در تفسیر و تعبیر تحولات و وقایع اقتصادی جامعه فاقد توانایی‌های لازم هستند و آموخته‌های قبلی آن‌ها چه رسمی و از طریق برنامه‌های درسی آشکار و چه غیررسمی و از برنامه‌های پنهان خانواده و سایر نهادها، ارتباط چندانی با مسایل و مفاهیم اقتصادی روزمره زندگی ندارد (طغیانی و پیغامی، ۱۳۹۵). این وضعیت موجب نگرانی والدین، معلمان، استادان دانشگاه و پژوهشگران شده و آن‌ها را به تأمل و چاره‌جویی واداشته است. از دیدگاه سیاست‌گذاران تعلیم و تربیت، برنامه درسی و رویکردهای آن نسبت به آموزش اقتصاد در دوره‌های آموزشی مهم می‌باشند. زیرا با تدارک فرصت‌های مناسب، فراگیران را در معرض تجاری قرار می‌دهند که بتوانند مهارت‌ها، گرایش‌ها و رفتارهای اقتصادی خود را شکل بدهند.

محتوا به عنوان عنصری دیگر در این الگو مورد اشاره قرار گرفته است. محتوا، دانش، مهارت‌ها، گرایش‌ها و ارزش‌هایی است که لازم است یاد گرفته شوند. از جمله نکاتی که می‌توان درباره عناوین

محتوایی ارائه شده اشاره نمود: مفاهیم اساسی علم اقتصاد (تولید، توزیع، مصرف، کار، کارآفرینی، درآمد، پس‌انداز، قیمت سرمایه‌گذاری، تجارت، نیاز، مالکیت، بیکاری و پول)، مفاهیم اخلاق اقتصادی نظیر (سبک زندگی، رفتارها، انصاف، انفاق، گذشت، ایثار)، احکام اقتصاد (خمس، زکات و معاملات) می‌باشد. که این یافته‌های پژوهش حاضر در عناوین محتوایی تولید و مصرف با یافته‌های پژوهش کشتی‌آرای، عمادزاده و یزدانی (۱۳۹۷)، علی‌پور، ناطقی، فقیقی (۱۳۹۵) که در پژوهش خود به عناوین محتوایی تولید و مصرف تأکید کردند همخوانی دارد.

عنصر بعدی در چارچوب برنامه‌دستی تربیت اقتصادی، عنصر روش‌های تدریس است. در حقیقت، اجرای برنامه‌دستی با روش‌های تدریس در ارتباط است. در چارچوب برنامه‌دستی طراحی شده، روش‌هایی از قبیل: روش‌های یادگیری فعال و تعاملی شامل بحث گروهی، حل مسئله، دریافت مفهوم، کاوش‌گری به شیوه محاکم قضایی، ایفای نقش و بارش مغزی، تلفیق پویای آموزش، یادگیری و ارزیابی، توجه به نظریه‌های چندگانه برای تلفیق، توجه به سبک‌های مختلف یادگیری، استفاده از رویکرد ساختن‌گرایی، مرتبط ساختن راهبردهای یاددهی-یادگیری با مسائل اجتماعی و واقعی زندگی می‌باشد. به‌طور کلی در برنامه‌دستی تربیت اقتصادی بر استفاده از روش‌های فعال یادگیری تأکید شده است. روش‌های تدریس ذکر شده در این چارچوب با نتایج پژوهش‌های آماجیر و همکاران (Amagir, A., & et al, 2018) و آسارتا، جنینگز و گریمز (Asarta, C.J., Jennings, A.S., & Grimes, P.W., 2016) که در زمینه تربیت اقتصادی بر استفاده از روش‌های فعال تدریس تأکید کرده‌اند همسو است.

از نظر ون دن اکر (۲۰۱۰) عنصر نقش معلم به این موضوع اشاره دارد که وی چگونه یادگیری را تسهیل می‌کند. بهتر است که نقش معلم را همچون یک پیوستار فرض نمود که یک انتهای این پیوستار نقش معلم محوری است که در آن وی به ارائه دانشی که باید آموخته شود، پرداخته و فرایند یادگیری فراگیران را اداره می‌کند. در انتهای دیگر پیوستار، نقش یادگیرنده محوری است که در آن فراگیران برای کشف و ساخت دانش خود آزاد گذاشته می‌شوند. در اینجا، حداقل مداخله از سوی معلم می‌بایست صورت گیرد. در نتیجه، نقش مدرس از اداره‌کننده کلاس درس و ارائه‌دهنده دانش به تسهیل‌گر کلاس درس و منبع دانش تغییر می‌کند. در چارچوب برنامه‌دستی طراحی شده در این پژوهش نیز نقش معلم از راهنما و تسهیل‌گر بودن، استفاده از روش‌های دانش‌آموز محور و معلم محور (سستی و جدید)، مرتبط ساختن موضوعات و محتوای کتاب‌های درسی با علایق و تجارب زندگی روزمره فراگیران، استفاده از مثال‌های مرتبط با زندگی برای اثربخش بودن آموزش اقتصاد تا اجراکننده مطالب و محتوای برنامه‌های درسی برای آنان متغیر می‌باشد بر این اساس، به نظر می‌رسد معلم بیشتر نقش حامی و پشتیبان فراگیر و تسهیل‌گر یادگیری اوست. این نقش‌ها بیشتر در رویکرد سازنده‌گرایی مد نظر است. نقش‌های اشاره شده برای معلم در چارچوب

برنامه درسی تربیت اقتصادی در پژوهش حاضر با نقش‌های مد نظر واتز (watts,2015)، چوی (Cho,2008i)، رایان براون (Brown, E. R, 2011)، سکونا (Sekwena,2014)، فلانگان (Flanagan,2014) در یافته‌های پژوهشی خود همسو است.

عنصر مواد و منابع یادگیری از دیگر عناصر شناسایی شده در این چارچوب است که در برنامه درسی می‌بایست به انواع گوناگون منابع آموزشی در محیط واقعی و فضای مجازی توجه گردد. که مشتمل بر استفاده از منابع فناوری و تکنولوژیکی به عنوان ابزار و منابع کمک آموزشی و کتاب درسی، استفاده از آثار ادبی و هنری چون طنز، کمدی، داستان‌های کوتاه، مقالات ادبی و علمی، چندرسانه‌های آموزشی، اینترنت، تجربه دیگران در کلاس می‌باشد. استفاده از روش‌های متنوع آموزشی که مورد علاقه زیاد فراگیرندگان هستند؛ اساس لازم را برای یادگیری تدریجی و تکمیلی آماده می‌سازد و در نتیجه یادگیری را دائمی می‌کند. تجارب واقعی و حقیقی را در اختیار آنان قرار می‌دهد و موجب فعالیت آنان خواهد شد. همچنین در توسعه و رشد معنا در ذهن دانش‌آموزان مؤثر هستند و تجاربی را در اختیار آنان قرار می‌دهند که از راه‌های دیگر امکان ندارد. این یافته‌های پژوهش با یافته‌های پژوهش واتز (۲۰۰۵)، بوشاتی (Bushati,2010)، اوکو (Oko,2011) که در پژوهش خود نشان دادند، میانگین عملکرد فراگیرانی که در یادگیری اقتصاد از منابع آموزشی متنوع استفاده می‌کنند بالاتر از میانگین عملکرد دانش‌آموزانی است که استفاده نمی‌کنند، همخوانی دارد.

عنصر دیگر چارچوب برنامه درسی تربیت اقتصادی، عنصر گروه‌بندی است. این عنصر اشاره به گروه‌های داخل کلاس دارد. گروه‌بندی‌ها بر حسب راهبردهای تدریس و یادگیری متفاوت هستند و تحت تأثیر محتوای برنامه درسی قرار می‌گیرند (فتیحی و اجارگاه، ۱۳۸۸). در حقیقت، عنصر گروه‌بندی به این موضوع اشاره دارد که دانش‌آموزان با چه کسانی یاد می‌گیرند؟ آیا دانش‌آموزان به تنهایی در فرایند یادگیری حضور دارند و یا به شکل گروهی در این امر شرکت می‌کنند؟ در این چارچوب، لزوم توجه به انواع گروه‌بندی‌ها در قالب گروه‌بندی بر اساس استفاده خلاقانه از گروه‌های کوچک، منعطف بودن گروه‌بندی و تغییر ترکیب گروه‌ها در فعالیت‌های مختلف آموزشی، لذت بردن از کار در گروه‌های کوچک و افزایش انگیزه یادگیری اقتصادی در حین اجرای کار گروهی و مدل یادگیری مشارکتی می‌باشد که با یافته‌های پژوهش ماسیمانگا (Msimanga,2017)، فلانگان (۲۰۱۴)، واتز (۲۰۰۵) که در پژوهش خود نشان دادند دانش‌آموزان در گروه با انگیزه بیشتری یاد می‌گیرند همخوانی دارد.

زمان آموزش نیز عنصری مهم در برنامه درسی قلمداد می‌گردد. آنچه که زمان به آن اشاره دارد این است که محتوای انتخاب شده به همراه استفاده از شیوه‌ها و مواد در جهت دستیابی به اهداف برنامه در یک چارچوب زمانی ارائه می‌گردد. در چارچوب برنامه درسی طراحی شده در این پژوهش با نگاهی همه جانبه‌نگر به موضوع زمان در برنامه درسی تربیت اقتصادی به مواردی از قبیل

صرف زمان کافی برای آموزش، انعطاف‌پذیر بودن زمان اختصاص یافته به یادگیری مفاهیم و موضوعات، محدود نبودن زمان آموزش و متناسب بودن زمان با توجه به ماهیت و الویت آموزش‌ها می‌باشد و با یافته‌های پژوهش سیمینیکا (Siminica, 2013)، ماسیمانگا (۲۰۱۷) که در پژوهش‌های خود به موارد ذکر شده در عنصر زمان برنامه درسی تربیت اقتصادی اشاره نموده‌اند همخوانی دارد. مکان به عنوان عنصری دیگر در این الگو مورد اشاره قرار گرفته است در حقیقت، مکان ارائه برنامه درسی، نیز در فرایند یادگیری امری بسیار مهم است. مکان ارائه با توجه به محتوای برنامه درسی باید تدارک دیده شود. برخی از محتواها نیازمند فضاهای ویژه‌ای غیر از کلاس‌های مرسوم برای ارائه می‌باشند. بنابراین، مکان یادگیری چیزی فراتر از صرفاً کلاس درس است. با عنایت به این نکته در چارچوب برنامه درسی طراحی شده در این پژوهش، به انواع محیط‌های یادگیری در برنامه درسی تربیت اقتصادی اعم از تغییر فضای معمولی کلاس درس و بردن آموزش به محیط‌های خارج از کلاس که باعث مشارکت فعال در جریان یادگیری موضوعات اقتصادی می‌شود، استفاده از تکالیف و فعالیت‌های میدانی خارج از کلاس که باعث درک فراگیران به وابسته بودن فعالیت‌های روزمره زندگی به میزان زیادی به اقتصاد می‌شود، محدود نبودن مکان فعالیت‌های آموزشی برخلاف فعالیت‌های رسمی و اجرای آن در مکان‌های مختلف اشاره شده است موارد ذکر شده در عنصر مکان با یافته‌های پژوهش سکونا (Sekwena, 2014)، کاس (Kose, 2014) که در پژوهش خود به انواع محیط‌های یادگیری اعم از محیط واقعی کلاس درس و محیطی غیر از کلاس‌های مرسوم اشاره کرده‌اند، همسو است.

عنصر ارزشیابی نیز از جمله عناصری است که در چارچوب برنامه درسی تربیت اقتصادی به آن اشاره شده است. در همین راستا، مواردی از قبیل استفاده از روش‌های ارزشیابی کیفی، استفاده از شکل مختلف ارزشیابی مانند ارزشیابی تشخیصی، تکوینی و تراکمی، خود ارزشیابی در یادگیری خود راهبری، سنجش عملکرد مشارکت در بحث‌های گروهی، مصاحبه یا گزارش به منظور خود انعکاسی فراگیران، ارائه کنفرانس، پروژه‌های فردی و گروهی می‌باشد که با یافته‌های پژوهش آسارتا، جنینگز و گریمز (۲۰۱۶)، رایان براون (Brown, E. R, 2011)، ماسیمانگا (۲۰۱۷)، که همسو با این چارچوب به روش‌های ارزشیابی مطرح شده در برنامه درسی تربیت اقتصادی اشاره نموده‌اند.

با توجه به آنچه که اشاره گردید، چارچوب برنامه درسی طراحی شده در این پژوهش برای تربیت اقتصادی مشتمل بر ۱۰ عنصر همراه با ویژگی‌های هر عنصر است. به نظر می‌رسد با توجه به ملاحظه جوانب و عناصر مختلف برنامه درسی با نگاهی جامع و همه جانبه نگر، چارچوب برنامه درسی مذکور بتواند در زمینه تربیت اقتصادی در نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران مثرتر واقع گردد، چرا که این چارچوب به عنوان یک راهنما می‌تواند منبع و منشأ تولید

برنامه‌های درسی جهت تربیت اقتصادی باشد. بنابراین، تدوین برنامه‌های درسی با کیفیت برای تربیت اقتصادی نه تنها منجر به تربیت مربیانی شایسته و در ادامه تربیت متریبانی شایسته می‌گردد، بلکه بنیادی محکم و قابل اعتماد نیز برای فرایند تربیت فراهم می‌نماید که به نظر می‌رسد چارچوب برنامه درسی طراحی شده در این پژوهش می‌تواند در این زمینه راهگشا باشد. همچنین در درس مطالعات اجتماعی دانشگاه فرهنگیان از برنامه درسی مبتنی بر تربیت اقتصادی استفاده شود. چرا که موضوعات درس مطالعات اجتماعی بیشتر با رویدادهای اقتصادی در جامعه و آماده‌سازی برای زندگی در جامعه پیوند خورده و مسائلی را آموزش می‌دهد که مشاهده و بررسی واقعی آن‌ها امکان‌پذیر است.

منابع

- A dib, Y., Ebrahimi Herestani, A., Rezapour, Y., & Toghiani, M. (2015). Investigating the religious foundations of the desired model of economic education curriculum based on resistance economics. *Islamic Revolution Approach Quarterly*, 10 (36): 58-41. (In Persian)
- Adu, E. O., & Galloway, G. (2015). The effects of cooperative learning on students' economics achievement and attitude towards economics. *Journal of Economics*, 6 (1), 30-36.
- Adu, E. O., Galloway, G., & Olaoye, O. (2014). Teachers' characteristics and students' attitude towards economics in secondary schools: Students' perspectives. *Mediterranean Journal of Social Sciences*, 5 (16), 455.
- Akarowhe, K. (2018). Roles of Economics Education in Sustainable National Development. *Journal of Global Economics*: 6.3.
- Alipour, F., Nateghi, F., & Faqihi, A. (2016). Identify the components of economic education in curricula based on data theory. 2nd International Conference on Engineering and Applied Sciences, Tehran. (In Persian)
- Althausser, K., & Harter, C. (2016). Math and economics: Implementing authentic instruction in grades K-5. *Journal of Education and Training Studies*, 4 (4), 111-122.
- Amagir, A., & et al. (2018). A review of financial-literacy education programs for children and adolescents. *Citizenship social & economic education*, 17 (1) 56-80.
- Anthony, K. V., Smith, R. C., & Miller, N. C. (2014). Pre service elementary teachers' economic literacy: Closing gates to full implementation of the social studies curriculum. *The Journal of Social Studies Research*, 39 (1), 29-37.
- Areekkuzhiyil, S. (2014). Joyful Learning of Economics at Secondary Schools. Brennen College of Teacher Education, Thalassery.
- Asarta, C., Jennings, A., & Grimes, P. (2017). Economic Education Retrospective: 25 Years of Contributions From The American Economist. *American Economist Journal*. 62(1): 102-117.
- Asarta, C. J., Jennings, A. S., & Grimes, P. W. (2016). Economic Education Retrospective: 25 Years of Contributions from the American Economist. *The American Economist*: 1-16.
- Assan, T. E. B. (2011). Exploring learner understanding of economics and management sciences (EMS) concepts through variation of learning theory: classroom experiences. *Problems of Education in the 21st Century*, 29, 7-21.

- Ayers, C. A. (2015). A qualitative study of the pedagogical content knowledge and personal orientations toward economics of award-winning secondary economics teachers. The University of North Carolina at Greensboro.
- Babatunde, D. A., Benedict, T. A., & Adu, E. O. (2016). A Comparative Study of Students' Performance in Economics Concepts and Other Concepts in Social Studies. *Journal of Sociology and Social Anthropology*, 7 (4): 256-261.
- Badmos, M., Agbeti Oluwayemisi, A., & Umeh Theresa, U. (2016). Instructional Material: Level of use in teaching and learning of economics in secondary schools. Mainland Education District IV, Lagos State Nigeria. *Journal of Research & Method in Education (IOSR-JRME)*.6 (4): 107-112.
- Basyah, N. A., Muslem, A., & Usman, B. (2018). The Effectiveness of Using the Jigsaw Model to Improve Students' Economics Teaching-Learning Achievement. *Stanisław Juszczak*, 30.
- Becker, W. E., Greene, W., & Rosen, S. (1990). Research on high school economic education. *Journal of Economic Education* 21 (3): 231-45.
- Brown, E. R. (2011). Comparison of instructional techniques of high school economics teachers in Georgia and Shenzhen, China (Doctoral dissertation, Capella University).
- Buckles, S., & Watts, M. (2007). National standards in economics, history, social studies, civics, and geography: complementarities, competition, or peaceful coexistence?. *American Economic Review*, 87(1), 254–259.
- Bushati, D. (2010). Economics understanding of Albanian high school students: Factors related to achievement as measured by test scores on the test of economic literacy (Doctoral dissertation, University of Kansas).
- Choi, J. (2007). A study of Pre service teachers' beliefs about knowledge and teaching in terms of economic education (Doctoral dissertation, uga).
- Cooper, h., & Hedges, L. V. (2009). Research Synthesis as a scientific process. A chapter on: *The Handbook of Research synthesis and meta-Analysis*, Second Edition. Russell Sage.
- Cronin, S. (2015). Changing Perceptions: Six Third Teachers'Experiences Integrating Economics with Book Clubs. Degree of Philosophy in Early Childhood and Elementary Education. The college of Education and Development. Georgia State University, Atlanta, GA.
- Ebrahimi Herestani, A. (2018). Perception of junior high school graduates in resistance economics: A phenomenological study. *Journal of Basij Strategic Studies*. Issue 78. (In Persian)
- Ebrahimi Herestani, A. (2018). Designing an economic education curriculum model based on resistance economics for elementary and junior high school. Ph.D. Thesis. Tabriz University. Faculty of Education and Psychology. (In Persian)
- Emami, M. (2015). A Quranic look at the role of role models in the economic education of children. *Quranic teachings*, 23: 5-15. (In Persian)
- Engartner, T., & Krisanthan, B. (2016). Basic economic education for the least qualified – identification, analysis and assessment of needs. *Int. J. Pluralism and Economics Education*. 7(4):340-359.
- Faulkner, A. E. (2017). Financial literacy education in the United States: Exploring popular personal finance literature. *Journal of Librarianship and Information Science*. 49(3): 287-29.
- Fathi Vajargah, C. (2014). *Principles and Concepts of Curriculum Planning*, Tehran: Bal Publications.
- Finkelstein, N., & et al. (2010). Effects of Problem Based Economics on high school economics instruction. U.S. Department of Education.
- Flanagan, W. G. T. (2014). Creating authentic learning environments in a grade 10 Economics classroom via a progressive teaching design, master of education with specialization curriculum studies. University of South Africa.

- Habibu, N. (2016). A survey of factors influencing economics teacher's effectiveness in public secondary schools in Sokoto Metropolis's curriculum. *Journal of Sociology and Social Anthropology*, 7 (4), 256-261.
- Happ, R., Troitschanskaia, O., & Förster, M. (2018). How prior economic education influences beginning university students' knowledge of economics. *Empirical Res Voc Ed Train*. 10(5): 2-20.
- Haskell, H. S. & Jenkins, S. J. (2003). Teaching Economic Principles through Literacy Methods. *Journal of Economics and Economic Education Research*, 4 (2).
- Hedayian, M., & Dadkhah, R. (2017). The role of teachers in cultural, social and economic education of students, the third national conference on sports science and physical education in Iran. Tehran. (In Persian)
- Henning, M. B. (2017). *Innovations in Economic Education: Promising Practices for Teachers and students*. London: Routledge.
- Hsu, M. R. (1995). Teaching home economics through literature in Taiwan: perspectives of home economics teachers. Doctoral dissertation, Iowa state university.
- Imani, M. (2012). Economic education in order to achieve national production and support Iranian labor and capital. *Payvand Magazine*, April and May, Nos. 390 and 391, pp. 16-15. (In Persian)
- Georgiou, G. C. (2003). Integrating Economics in the K-12 Curriculum. *International Business & Economics Research Journal*. 2 (6).
- Gunes, S. (2012). Economics education in industrial design. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*. 47: 1353-1357.
- Jappelli, T. (2010). *Economic Literacy: An International Comparison*. Center for Studies in Economics and finance. University of Salerno.
- Kang, R. (2007). PK-8 pre service teachers' intentions to teach economics: An application of the theory of reasoned action and the theory of planned behavior. Texas A&M University.
- Kandahari, A. (2018). Designing an optimal model of economic education curriculum for the first elementary school in the Islamic Republic. Ph.D. Thesis. Tehran University of Education. Faculty of Psychology and Educational Sciences. (In Persian)
- Kaviani, H., & et al. (2018). Reverse classroom curriculum planning model: Synthesis of methods. *Two Quarterly Journal of Theory and Practice in the Curriculum*, (6) 11, 271-203. (In Persian)
- Keshtiarai, N., Emadzadeh, M., & Yazdani, A. (2018). Sociology of components of resistance economics for design in Iranian education curriculum. *Sociological Studies*, (40) 10, 99-85. (In Persian)
- Karunaratne, P., Breyer, Y., & Wood, L. (2016). Transforming the Economics Curriculum by Integrating Threshold Concepts. *Education & Training*. 58(5): 492-509.
- Khadka, C. B. (2016). Effectiveness of teaching Economics in higher secondary school level, Nepal. *Economic Journal of Development Issues*, 99-126.
- Kim, C. (2017). *Comparative Study on Economic Education: Korean and Japanese Schools*. Researcher's Notebook. NIRA Review.
- Kim, K. (2018). The Preference for Quality and Optimal Fit Revelation Strategy. *Journal of Social Economics Emerald Publishing Limited*. 30(7):124-134.
- Kose, T. (2016). Taking economics out of the classroom: a field assignment. *International Journal of Pluralism and Economics Education*, 7 (3): 323-333.
- Kourilsky, M. (1993). "An Integrated Teacher Education Model for Enhanced Economic Literacy", Paper presented at the Annual Meeting of the American Educational Research Association, Atlanta, GA, April 12-16.
- Laney, J. D., Frerichs, D. K., Frerichs, L. P., & Pak, L. K. (1996). The effect of cooperative and mastery learning methods on primary grade students' learning and retention of economic concepts. *Early Education and Development*, 7 (3), 253-276.

- Laney, J. D., Moseley, P. A., & Pak, L. K. (1996). Children's ideas about selected art and economic concepts before and after an integrated unit of instruction. *Citizenship, Social and Economic Education*, 1 (1), 61-78.
- Leamer, L. E. (1950). A brief history of economics in general education. In *The teaching of undergraduate economics*, ed. H. Taylor, supplement to the *American Economic Review* 40 (December): 18-33.
- Maleki, H. (2012). *Principles of curriculum planning*. Tehran: Samat. (In Persian)
- Marsh Colin, J. (2013). *Integrated research: Synthesis research*. In the methodology of curriculum studies. Translated by Farideh Mashayekh and Lotfali Abedi. Tehran. Side Publications. Third edition.
- Mearman, A., Berger, S., & Guizzo, D. (2016). Curriculum reform in UK economics: a critique. *Economics Working Paper Series*. Faculty of Business and Law. 1-25.
- Mehr Mohammadi, M. (2014). *Curriculum: Perspectives, Approaches and Perspectives*, Tehran: Publishing Company to Publishing. (In Persian)
- Mehr Mohammadi, M., & Mahmoudi, F. (2012). Inversion: A new approach to curriculum design with a focus on vocational education. *Bi-Quarterly Studies, Higher Education Curriculum*. 3 (141), 177-141. (In Persian)
- Msimanga, M. R. (2017). *Teach and assess: a strategy for effective teaching and learning in economic and management sciences* (Doctoral dissertation, University of the Free State).
- Musazadeh, Z., & Sanati, F. (2017). Explaining the components of economic education based on Islamic teachings. *Islamic Education Quarterly*, 12 (24): 97-73. (In Persian)
- Musazadeh, Z., Azimzadeh Ardabili, F., & Sanati, F. (2015). Application of components in the field of economic education distribution in the education system based on Islamic teachings. *Bi-Quarterly Journal of Educational Sciences from the Perspective of Islam*, 3 (5): 24-36. (In Persian)
- Motamed, H., & Daryanvard, M. (2015). *Economic education of students in schools, challenges and solutions, the first national conference on global management and economics*. Tehran (In Persian)
- Mubita, S. L., & Kalimaposo, K. (2016). Factors Affecting Teaching and Learning of Home Economics in the Integrated Primary Curriculum: A Study of Selected Primary Schools in Lusaka province of Zambia. *International Journal of Multidisciplinary Research and Development*, 3 (11), 9-16.
- Mwangi, J. K. (2001). *Determinants of learning Achievement in Economics in Kenyan Secondary Schools*. Unpublished Ph. D Thesis. University of Nairobi.
- National Council on Economic Education. (2007). *Voluntary National Content Standards in Economics*. New York.
- Nazeer, A. (2006). *Teaching economics at secondary school level in the Maldives: A cooperative learning model* (Doctoral dissertation, The University of Waikato).
- Nejad Mehdi, R. (2008). *Teaching the basic concepts of economics in the elementary period of Iran and presenting the desired model*. Master Thesis. Allameh Tabatabaei University. Faculty of Psychology and Educational Sciences. (In Persian)
- Niederjohn, M. S., & Schug, M. C. (2008). Can Students Learn Economics in U.S. History? *The Journal of Private Enterprise* 23 (2): 167-176.
- Noviani, L., Soetjipto, B. E., & Sabandi, M. (2015). Economic Education Laboratory: Initiating a Meaningful Economic Learning through Laboratory. *Journal of Education and Practice*, 6 (33), 93-98.
- Nwosu, D., & Akaraonye, J. (2011). AN APPRAISAL OF SECONDARY ECONOMICS CURRICULUM IN IMO STATE OF NIGERIA: IMPLICATIONS FOR HOLISTICISM, CURRICULUM DESIGN AND GLOBAL CITIZENSHIP EDUCATION. *International Conference of Education, Research and Innovation*.
- Okao, E., Bosire, J., Sang, A., & Barmao, A. (2013). *Teachers' Perceptions Towards The Teaching Of Economics In Secondary Schools: Implications On The Business Studies*

- Curriculum In Kenya. international journal of innovative research & development. 2(9):166-173.
- Oko, O. F. (2011). Effectiveness of Instructional Materials in Teaching and Learning of Economics in Public Secondary Schools in Onitsha North LGA. B.Sc. (Ed.) Project, University of Nigeria.
- Otto, A., & Serido, J. (2018). Economic socialization: Childhood, Adolescence, and early Adulthood. *Economic Psychology*. Edited by Rob Ranyard. John Wiley & Sons Ltd.
- Oziegbe, O. E., & Maxwell, O. (2016). Effect of instructional materials on senior secondary student's achievement in economics. *International Journal of Recent Advances in Multidisciplinary Research*, 3 (6), 1563-1566.
- Oziegbe, O. E., Maxwell, E., & Augustine, A. S. integration of ICT in the teaching/learning of economics in senior secondary schools. *International Journal of Contemporary Applied Sciences*, 3 (2), 260-273.
- Oziegbe, O. E., Olebhiele, E. P., & Nwose, L. N. (2015). Comparative Effect of Graphic Organizer and Expository teaching strategies on the achievement of Senior Secondary School students in Economics. *Journal of Educational Foundations*, 5 (1), 31-38.
- Pakmehr, H., & Teymouri, M. (2016). Designing an economic education curriculum with emphasis on religious principles. National Conference on New Education in the Iranian Educational System. Ardakan Azad University. (In Persian)
- Patten, S. (1981). The educational value of political economy. *Publications of the American Economic Association* 6: 465-502.
- Pertiwi, R. S., Khafid, M., & Setyadharma, A. (2019). Factors Influencing Difficulties of Learning Economics (Study in Students of Kudus District High School). *Journal of Economic Education*, 8 (1), 48-56.
- Peyghami, A., & Turani, H. (2011). The role of economics curriculum in the formal and public education curriculum of the world: providing an action plan for a neglected curriculum. *Journal of Educational Innovations*, (37) 3, 52-31. (In Persian)
- Pühringer, S., & Bäuerle, L. (2018). What economics education is missing: the real world. *International Journal of Social Economics Emerald Publishing Limited*. 35(4):241-249.
- Rahmanpour, M., & Nasr Isfahani, A. R., & Siadat, S. A. (2015). Investigating the relationship between the principles and principles of the national curriculum of the Islamic Republic of Iran with the themes of resistance economics in order to propose a favorable curriculum. *Scientific-Research Quarterly Approach*. 9 (31), 60-41. (In Persian)
- Roosaar, E. (2015). Constructively aligned economics class achieving intended learning outcomes by using classroom's games. Master's Thesis, University of Tartu, Faculty of Economics and Business Administration.
- Sachdeva, S. (2009). Making economics classrooms exciting: Role of experiential learning. *Learning*, 53.
- Santomero, A. M. (2003). Knowledge is power: the importance of economic education. Based on speech given at the Pennsylvania Economic Association Annual Conference. West Chester University. West Chester, PA, On May 30.
- Schnell, C., & Loerwald, D. (2019). Interest as an influencing factor on student achievement in Economics: Evidence from a Study in Secondary Schools in Germany. *International Review of Economics Education*, 30, 100130.
- Seiter, D. M. (1988). Economics in the Curriculum, ERIC Digest, Bloomington, IN: ERIC Clearinghouse for Social Studies/ Social Science Education, (ERIC Document Reproduction Service NO, ED 304 396).
- Sekwena, G. L. (2014). Active learning in a high school economics class: a framework for learner engagement (Doctoral dissertation, University of the Free State).
- Shorts, E. C. (2008). *Curriculum Studies Methodology*. Translated by Mahmoud Mehr Mohammadi et al. Fifth Edition . Tehran: Samat Publications.

- Siegfried, J. J. (2008). Voluntary economics content standards for America's schools: rationale and development. *Journal of Economic Education*, 29(1), 139–149 .
- Sierra, J. (2019). The importance of simulation in teaching and learning economics: The students' perspective. *Innovations in Education and Teaching International*, 1-11.
- Siminica, M., & Dumitru, A. (2013). Self-directed learning in economic education. *International Journal of Education and Research*, 1 (12).
- Singh, S., & Shivam, R. (2016). Effectiveness of blended learning in economics classroom. *International Journal of Academic Research and Development*. (1) (4): 13-15.
- Smirnova, N. V. (2016). Economics across the curriculum: Integration of economic concepts into various disciplines. *Perspectives on Economic Education Research*, American Institute for Economic Research, 10 (1), 21-40.
- Smirnova, N. (2015). Economics Across the Curriculum: Effective Delivery of Economics Instruction to High School Students. *American Institute for Economic Research*. 5:1-27.
- Soper, J. C., & Walstad, W. B. (2007). *Test of Economic Literacy: Examiner's manual*. 2nd ed. New York: Joint Council on Economic Education .
- Toghyani, M., & Peyghami, A. (2016). *Economic Education (Vol. I)*. First Edition. Tehran: Imam Sadegh University Press. (In Persian)
- Toghyani, M., & Zahedi Vafa, M. H. (2012). Possibility of using the works of Islamic civilization in designing and compiling the Islamic-Iranian model of economic culture. *Economic Knowledge*, 3 (2), 76-55. (In Persian)
- Toghyani, M. (2012). A study of the main components of the Islamic-Iranian model of economic education. Ph.D. Thesis. Faculty of Islamic Economics and Education. Imam Sadegh University. (In Persian)
- Vasiliki, B., Panagiota, K., & Stavrakouli, K. M. (2016). A new teaching method for teaching economics in secondary education. *Journal of Research & Method in Education*, 6 (2), 86-93.
- Walstad, W. B. (2014). An assessment of economics instruction in American high schools. In *An international perspective on economic education*, e d. W. B. Walstad. 109–36. Boston: Kluwer Academic.
- Walstad, W. B. (2007). Five developments advancing economic education in United States: the role of the national council on economic education. Retrieved from National Council on Economic Education: <http://councilforeconed.org>.
- Watts, M. (2005). *What Works: A Review of Research on Outcomes and Effective Program Delivery in Precollege Economic Education*. National Council on Economic Education, New York, N.Y.
- Wulandari, D., & Narmaditya, B. S. (2017). Readers Theater as a Tool to Understand Difficult Concept in Economics. *International Education Studies*, 10 (5), 144-156.
- Yazdani, A., Keshti Arai, N., & Emadzadeh, A. (2018). Curriculum design based on resistance economics. *Islamic Revolution Approach Quarterly*, 12 (42): 126-107. (In Persian)
- Yidana, M. B. (2018). Comparative Effects of Problem-Based and Cooperative Instructional Approaches on Students' Academic Achievement in Senior High School Economics. *International Journal of Education and Evaluation*, 4 (1), 31-53
- Yousefzadeh, M. R., & Adak, M. (2018). Examining the content of textbooks in the second grade of elementary school based on economic education from the perspective of Islam. *Quarterly Journal of Applied Issues of Islamic Education*, 3 (2), 182-153. (In Persian)

Extended Abstract

Designing A Framework for Provision of Economic Education in the Social Studies Curriculum of Farhangian University

Samaneh Moradi¹, Davood Tahmasbzadeh Sheikhlar², Yousef Adib³

Hossein Asgharpour⁴

Regarding technological and economic requirements of today's world, public education systems need to take more responsibility for paying enough attention to educational planning and programs. Learners face many economic problems in their daily lives; therefore, economic education can help them to develop their economic thinking. Accordingly, it is the responsibility of educational and cultural institutions of countries not only to teach such basic and essential skills as reading and writing, mathematics, literature, and history to individuals, but also to pay attention to economic education and economic education programs because such programs can lead to the realization of desirable behaviors in individuals' lives and promote social interactions between them. Considering this, the objective of the present study was to design a framework for economic education in the Social Studies curriculum of Farhangian University. In line with this, this descriptive study, which was of an applied type, benefitted from a qualitative approach to research and a meta-synthesis method. Accordingly, the study was an attempt to analyze the research it covers and to resolve the contradictions in its literature. While integrating the results, the study also identified some relevant topics for future research. The following seven steps were taken in conducting this study: identifying first-hand sources based on the relevant keywords; identifying and categorizing concepts, and reviewing and conceptually analysing key elements; identifying information clusters for the desired pattern based on conceptual analysis patterns;

¹. PhD student in Curriculum Planning, University of Tabriz, Department of Educational Sciences, Tabriz, Iran. (samanemoradi69@yahoo.com)

². Associate Professor, University of Tabriz, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Department of Educational Sciences, Tabriz, Iran. (d.tahmaseb@tabrizu.ac.ir)

³. Professor, University of Tabriz, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Department of Educational Sciences, Tabriz, Iran. (yousef_adib@yahoo.com)

⁴. Professor, University of Tabriz, Faculty of Economics and Management, Department of Economics, Tabriz, Iran. (asgharpur@tabrizu.ac.ir)

putting together information within each category; repeating analysis cycles, until the categories were validated and the final statement was obtained; arranging categories for the desired application; and interpreting synthetic content. The findings of this study revealed that the framework for economic education in the Social Studies Curriculum consisted of ten elements, as proposed by Aker, of logic (achieving the goals of social studies and cultivating critical thinking), purpose (developing economic attitudes, knowledge, and skills), content (focusing on basic concepts of economics), learning and teaching methods (using active learning and teaching methods), resources and educational materials (using various educational resources), teacher role (guiding learners and facilitating learning), grouping (increasing learning through small groups), time (having flexibility in teaching time), place (focusing on learning environments both inside and outside the classroom), and evaluation (using various evaluation methods). A program which encompasses these element is an inclusive and community-oriented program which can lead to achievement of the goals established by the curriculum, development of students' critical thinking, conscious analysis of texts, students' application of concepts in real life and increased understanding of economic issues, and saving of time and educational resources. As the results of this study revealed, all ten elements of Acker were considered in the design of the relevant curriculum framework. This can indicate the comprehensiveness of the developed framework. As education policy makers believe, the training courses should involve economic education because it can provide the learners with the opportunity for improving their economic skills, attitudes, and behaviors. Overall, curriculum planners should pay more attention to economic education in targeting, organizing, and designing textbook content.

Keywords: curriculum framework; curriculum elements; economic education